

القاعده، ماسک دهان، کهریزک و تلفن همراه

دوچه وله

هر دوره‌ی زمانی معمولاً با نمادها، رفتارها یا دستگاه‌هایی تعریف و تمایز می‌یابد که بیانگر پیشرفتی کم و بیش غیرمتعارف در جامعه بشر هستند. دهه صفر قرن بیست‌ویکم (۲۰۰۹-۲۰۰۰) که اینک به پایان می‌رسد، به لحاظ تنوع و پیچیدگی تحولات دهه‌ای تقریباً استثنایی در تاریخ بشر است. از همین رو نمادها، رفتارها و دستگاه‌های متمایزکننده‌ی این دهه هم شمار و گوناگونی بی‌سابقه‌ای دارند.

اشدن

نقطه‌ی پایانی بر یک درک معین از جهانی



جهان در ماه‌های آغازین این دهه، یعنی در مارس ۲۰۰۰ چهره‌های درهم‌رفته و حیرت‌زده دست‌اندرکاران بازارهای بورس را به نظاره نشست، و در انتهای این دهه هم، چهره‌های مشابهی را بر صفحه رسانه‌ها مشاهده کرد. به عبارتی، این چهره‌ها یکی از شاخص‌های اصلی این دهه بودند که به آغاز و پایان آن معنایی خاص بخشیدند.

البته سقوط بازار بورس در اواخر دهه جاری بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر بود و طبعاً قضاوت و ارزیابی‌های متفاوت و بنیادی‌تری را هم به دنبال داشت. سقوط اخیر گرچه بیش از یک سال از اوج گرفتن آن می‌گذرد، اما پس‌لرزه‌های آن همچنان استوانه‌های اقتصاد بین‌المللی را می‌لرزاند و پیامدها و تأثیراتی منفی بر کل فعل و انفعالات تولیدی و تجاری جهان دارد.

تأثیرات شدید بین‌المللی سقوط بازارهای مالی در پایان دهه جاری، بیش از پیش جهانی‌شدن اقتصاد را در معرض تماشا گذاشت. شماری از صاحب‌نظران این سقوط را ضربه‌ای بر آن درک از جهانی‌شدن می‌دانند که در رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی قداست می‌آید، رشد و توسعه هماهنگ و مدیریت‌شده را کهنه و دست‌وپاگیر می‌دانست، برای خصوصی‌سازی‌ها حد و مرزی نمی‌شناخت و دامنه نفوذ و اختیارات دولت را هرچه کمتر و محدودتر می‌خواست.

هنوز هم در اجلاس‌های بین‌المللی برای سروسامان‌دادن به اقتصاد جهان چالش اصلی این است که برای ممانعت از بروز بحران‌های مشابه، مکانیزم‌های نظارت و کنترل ملی و بین‌المللی چگونه باشند و دامنه آنها تا کجا باید برود. اما مقاومت دولت‌های ملی بر سر این که اکثراً سوال پاسخی بین‌المللی و مقیدکننده بیابد، خود نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی روند جهانی‌شدن و چالش همچنان پایدار میان امر ملی و جهانی است.

جهانی‌شدن اقتصاد این دهه را از یک جهت عمده دیگر نیز از دهه‌های پیشین متمایز کرد. این تمایز ناشی از جابه‌جایی قدرت‌های اقتصادی و وزن و اهمیتی است که کشورهایمانند چین و هند در نظام اقتصادی جهان پیدا کردند. از رهگذر این تحولات، گروه ۷ کشور صنعتی که در چند دهه‌ی گذشته روندهای اصلی اقتصادی و



سیاسی را در جهان رقم می‌زند تقریباً به حاشیه رانده شد و گروه ۲۰ سربرآورد که علاوه بر چین و هند کشورهای تازه‌نفس و پر قدرت دیگری در گستره اقتصادی دنیا را دربرگرفته است.

یورو، تجربه‌ی بی‌سابقه در مناسبات اقتصادی ملت‌ها

دهه‌ای که گذشت را به لحاظ اقتصادی، دهه یورو نیز

می‌توان نام نهاد. البته خود گسترش بی‌سابقه اتحادیه اروپا از ۱۲ کشور به ۲۷ کشور که تدبیری برای دمسازی با روندهای جهانی‌شدن بود نیز از اهمیت کمی برخوردار نیست. اما به جریان افتادن یک پول واحد در کشورهای با اقتصادها، فرهنگ، زبانها و زبان‌های مختلف اولین تجربه عملی و پایدار بشری در این زمینه است.

هم ۵۵ سال تشکیل اتحادیه اروپا و هم ۸ سال رواج یورو به رغم گشت و واگشت‌ها مجموعاً نه سیری رو به عقب، بلکه مسیری رو به پیش، ولو با تجربه‌ای مبتنی بر آزمون و خطا داشته است. در مقاطع مختلف این تجربه نیازمند اصلاح شده و آنچه که سرانجام شکل گرفته تابعی بوده است از ضرورت‌های اروپایی و بین‌المللی، چانه‌زنی و توازن نیرو میان کشورهای عضو و نیز زورآزمایی و اجماع میان قشرها و بخش‌های مختلف درون هر کدام از این جوامع.

جهانی‌شدن و سوال‌های تازه‌ای که بی‌پاسخ ماندند

در عین حال، برخورد دو هواپیما با برج‌های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز از نظر شماری از کارشناسان نمادی بود برای جهانی‌شدن چیزهایی منفی، مانند تروریسم. این رویداد نشان داد که زمانی که اقتصاد و ارتباطات و فرهنگ مرزها را درنوردند تاثیراتی بر جا می‌گذارند که همیشه مثبت نیستند و چه بسا مقاومت و ستیز تولید کنند. به ویژه، جوامع سنتی و فرهنگ‌های بسته‌امتری بر سلسله‌امراتب اقتدار که با انسداد اقتصادی، آموزشی و مراوده‌آزادنه با جهان هم‌روبو هستند زمانی که در معرض تندباد تحولات ناشی از جهانی‌شدن ناهماهنگ و شتابان قرار بگیرند، لزوماً توان دمسازی با این تحولات را ندارند. آنها خود را در معرض تهدید احساس می‌کنند و بر مقاومتشان افزوده می‌شود. چنین مقاومتی در افراطی‌ترین شکلش سر از تروریسم درمی‌آورد.

تروریسمی که در ابتدای دهه‌ای گذشته و با حمله به نیویورک، در جهان طنین‌انداز شد و نحوه‌ای مقابله با آن همچنان معادله‌ای مانده است با مجهول‌های متفاوت: آیا می‌توان به تروریسم اعلان جنگ داد و حتی به جنگ‌های «پیش‌گیرانه» متوسل شد؟ آیا درافتادن با تروریسم بیشتر به یک جنگ کلاسیک شبیه است یا یک «جنگ نامتقارن»؟ اصولاً راه‌حل تروریسم بیشتر نظامی است یا امنیتی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی؟ دهه‌ای که به آخر می‌رسد، در پاسخ به این سوالات ناکام ماند. آیا در دهه‌ای آتی پاسخ آنها یافت خواهد شد؟

میراثی برای دهه بعد



حمله به برج‌های دوقلوی نیویورک دلیلی شد برای حمله به افغانستان تا نیرویی که پشتیبان این نوع تروریسم بود نابود شود. جنگ علیه عراق هم کم و بیش با استناد به همین حمله توجیه شد. روندهای پس از این حملات و نیز لاینحل‌ماندن بحران دیرینه خاورمیانه، یعنی نزاع اسرائیل و فلسطینی‌ها از جمله عواملی بودند که ضریب قهر و خشونت در منطقه را در این دهه به ابعادی بی‌سابقه رساندند.

در این میان، رهبر القاعده که به سازماندهی حملات نیویورک متهم است همچنان نایافته مانده است. خود جنگ افغانستان هم به میراثی تبدیل شده که دهه‌ای آتی نیز با

تلاش‌های فشرده برای پایان دادن به آن آغاز می‌شود و نتیجه‌ای آن تعیین‌گر بسیاری از معادلات خواهد بود: آینده‌ناتو، آینده افغانستان و پاکستان و چند و چون جایگاه آتی غرب به طور عام و ایالات متحده به طور خاص در منطقه و در جهان. چشم‌انداز آینده عراق سهم‌معینی در حل این معما دارد.

گازهایی که به موضوع روز بدل شدند

یک نماد رایج دیگر در دهه‌ای گذشته، ماسک‌دهان بود با



کارکردی چندگانه و نمایشگر بحران‌هایی گوناگونی. این ماسک، چه در پکن، چه در تهران و چه در بسیاری دیگر از شهرهای بزرگ دنیا به کار می‌رفت تا مانعی باشد در برابر تنفس هوای آلوده. هوای آلوده معمولاً نام دیگری است برای گازهای گلخانه‌ای. این گازها گرچه در وجه عمده نامرئی‌اند، اما پیامد افزایش آنها که به گرمایش زمین و تهدید بی‌سابقه حیات و محیط زیست انجامیده، موضوعی محوری در سیاست بین‌المللی در دهه اخیر بود. روزهای پایانی این دهه با شکست بزرگ امیدهایی توأم شد که به اجماع جهانی برای کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی بسته شده بود. ناکامی کنفرانس کپنهاگ به این معناست که کاهش چشمگیر مصرف انرژی‌های یادشده، تا اطلاع ثانوی در دستور کار جهان نیست. مصرف انرژی‌های فسیلی در دو سده گذشته در عرصه‌هایی مانند صنعت و تولید گرما و حمل و نقل، عامل اصلی تولید گازهای گلخانه‌ای تلقی می‌شود.

هم‌تشدید تغییر و تحولات اقلیمی منفی مانند سیل و خشکسالی و گردبادها و آب‌شدن بی‌سابقه‌ی یخچال‌های جهان در هیمالیا و قطب شمال و هم‌بحث‌های گسترده بین‌المللی برای مهار گرمایش زمین به عنوان منشأ این تغییر و تحولات، همه و همه سبب شدند که تلقی یادشده بیش از پیش به آگاهی عمومی بشر راه یابد و حساسیت‌ها و تلاش‌ها برای حفظ محیط زیست و اقلیم زمین فزون‌تر شود. اما شکست کنفرانس کپنهاگ در روزهای پایانی دهه‌ای اخیر که در بالاترین سطوح سیاسی دنیا برگزار شد، کمتر تناسبی با این حساسیت‌ها و تلاش‌ها داشت

ماسک دهان، در عین حال مصونیتی هم بود برای ممانعت از ابتلا به بیماری‌هایی که مرزها را در نوردیدند و جهانی شدند : سارس، آنفلونزای مرغی و آنفلونزای خوک

پدیده‌ای به نام تلفن همراه



در سال پایانی این دهه، یعنی در سال ۲۰۰۹، ماسک دهان یک کارکرد تازه هم پیدا کرد که ربطی بلاواسطه با سیاست داشت. تظاهرکنندگان معترض به نتیجه اعلام‌شده‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران از این ماسک وسیله‌ای ساختند برای ناشناخته ماندن چهره‌اشان تا از تعقیب و بازداشت پلیسی در امان بمانند. این ماسک در عین حال مانعی هم بود برای استنشاق گازهای اشک‌آوری که نیروهای انتظامی در کاربرد آن علیه معترضان چندان ابایی نداشته‌اند.

تظاهرکنندگان ایران اما صرفاً به ماسک دهان معنا و کارکردی خاص و بی‌سابقه نبخشیدند. آنها از تلفن همراه هم

استفاده‌ای بدیع کردند و کاربرد لفظ «رسانه» در مورد این دستگاه را معنا و مفهومی گسترده بخشیدند. این دستگاه و امکانات آن در جریان رویدادهای پس از انتخابات بالا و بر ممکن کردن تماس‌ها برای سازماندهی‌های سریع و شبکه‌ای معترضان، به نحوی گسترده به خدمت تهیه ای فیلم‌ها و عکس‌های بی‌سابقه از اعتراض‌ها درآمد تا لحظات و رویدادهایی تکرارناشدنی و بعضاً تراژیک را ثبت کند و پیش چشم جهانیان بگذارد. بازخوانی تاریخ رویدادها و تحولات پس از انتخابات بدون رجوع به فیلم‌ها و عکس‌های تهیه‌شده با تلفن‌های همراه به شدت ناقص خواهد بود.

شاید بدون گسترده‌شدن کاربرد تلفن همراه در این دهه، رفتارهای غیرمتعارف با زندانیان زندان ابوغریب بغداد هم به سرعت امکان روشن شدن نمی‌یافت. هم عکس‌های انزجارآور بدرفتاری با زندانیان در این بازداشتگاه، هم زندان معاف از قانون و مقررات گوانتانامو و هم سیاه‌چالی به نام زندان کهریزک که به محلی برای تجاوز و قتل مخالفان بدل شد، سه مورد بارزی بودند که به نماد نقض فاحش حقوق بشر در دهه ای رو به پایان بدل شدند و حساسیت‌ها برای حفظ و پاسداری این حقوق را معنا و اهمیتی تازه بخشیدند.

فرق میان «در دسترس» بودن و نبودن



استفاده از تلفن همراه به عنوان دوربین فوری تنها بر بستر دیجیتال‌شدن عکاسی متمرکز شد. کاربرد همگانی این جهش در عرصه ای فناوری در دهه اول قرن بیست و یکم چنان ابعادی پیدا کرد که بر عمر دو نماد بزرگ دهه ای پیشین یعنی دوربین پولاروید و عکاسی با فیلم‌های نجاتیو تقریباً نقطه پایان نهاد و آنها را روانه موزه کرد.

تلفن همراه در عین حال در هم بین دهه چنان ضربه‌ای یافت که اینک کمتر دهه‌ای در جهان را می‌توان یافت که مردمانش با این وسیله بیگانه باشند. این که برخی از گم‌گوشه‌های آفریقا و آمریکای لاتین و آسیا که هنوز برای روشنایی، برق ندارند، ولی برای شارژ تلفن‌های همراه ژنراتور عمومی خریده‌اند، خود شاید شاهدی گویا بر رواج و اهمیت کاربرد این وسیله باشد.

هر فناوری جدید معمولاً تغییراتی فرهنگی و رفتاری را در میان انسان‌ها دامن می‌زند و بعضاً مفاهیم و اصطلاحاتی نوین را وارد زبان می‌کند. تلفن همراه با توجه به ضربه بالای گسترشش در میان مردم، طبعاً اثراتی چشمگیرتر در زمینه‌های یادشده داشته است. در این دهه، از رهگذر کاربرد تلفن همراه و گفت و شنودها با آن در ملا عام، مرزهای گسترده خصوصی انسان‌ها بیش از پیش شناور شده است. هر شهروند در طول روز معمولاً ناخواسته در جریان گفت و گوها و قول و قرارهای خصوصی شهر وندان دیگر قرار می‌گیرد.

اصطلاح «در دسترس نبودن» هم که در این دهه در ارتباط با کاربرد تلفن همراه رواج پیدا کرده، اینک معنایی منفی در مناسبات اجتماعی دارد. در واقع، در همین مدت کوتاه استفاده از تلفن همراه، روشن بودن تلفن افراد و قابل دسترس بودن آنها در هر لحظه و در هر مکان به یک هنجار اجتماعی بدل شده است. عدم رعایت این هنجار اثراتی منفی از فرد در ذهن و نگاه بستگان و افراد دور و



نزدیک باقی می‌گذارد و او باید در این زمینه پاسخگوی چراها باشد.

از دانلود به آپلود

گرچه ضربه نفوذ اینترنت در جهان به پای تلفن همراه نمی‌رسد، اما این ضربه هم، در دهه گذشته ابعادی بی‌سابقه یافت. به ویژه رواج همه ای آن فناوری‌ها و از آنها یاد می‌شود Web 2.0 پیشرفت‌هایی که تحت عنوان مرزهای بدیعی را در استفاده از اینترنت و گسترش جامعه‌ای اطلاعاتی گشود. از رهگذر این پیشرفت‌ها کاربران اینترنت بیش از پیش از مصرف‌کننده‌ی صرف اطلاعات به

تولیدکننده آن بدل شدند

اگر در دهه‌ای گذشته و ابتدای این دهه کاربر اینترنت بیشتر به دانلود مشغول بود و در مجموع به عنوان نسل (یوتیوب، وبلاگ، پادکست و فیس بوک و توییتر...) او را تشویق کرد که شخصاً Web 2.0 را شناخته می‌شد، به تولیدکننده متن و فیلم و صدا بدل شود. همین سبب شد که کاربر اینترنت در پایان دهه‌ای که به انتهایش نزدیک می‌شویم بیشتر به عنوان نسل آپلود شناخته شود. این نسل اینک هم بیشتر می‌خواند و هم بیشتر می‌نویسد و هم در شبکه‌های وسیع‌تر از ارتباطات (مجازی) قرار گرفته است.

استفاده وسیع‌تر از اینترنت و امکانات آن، البته هم در گستره‌ای مناسب‌تر انسانی و هم در زمینه آینده برخی از رشته‌ها تحولات گاه ابهام‌آمیزی را دامن زده است. کاربرد اینترنت بیش از پیش روابط انسان‌ها را از تماس مستقیم به ارتباطات مجازی سوق داده است. اینک شهروند عادی برای انجام بسیاری از کارها و تأمین بسیاری از خواست‌ها و برقراری بسیاری از رابطه‌ها تنها به چند کلیک و تایپ کردن این یا آن رمز در صفحه‌ای کامپیوتر خود نیازمند است. این امر طبعاً مناسب‌تر و در روی انسانی و اجتماعی را کاهش می‌دهد، روندی که از نظر شماری از کارشناسان، اگر به گونه‌ای دیگر و در مناسباتی متفاوت جبران نشود، می‌تواند پیامدهای رفتاری معینی را در جوامع در پی داشته باشد.

با انفجار اطلاعات در اینترنت و تأثیر منفی آن بر رونق مطبوعات و یا حتی کتاب‌های چاپی، این پرسش بالا گرفته است که آینده نشریات متعارف و ژورنالیسم حرفه‌ای چه خواهد شد؟ آیا دسترسی آسان به هر گونه اطلاعاتی در اینترنت، با بی‌نیازی بیشتر به نشریات متعارف توأم خواهد بود و رشته‌ای به نام روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و نشر مطبوعات رو به منسوخ شدن است؟ در سال پایانی دهه‌ای جاری، هم کاهش پیوسته شمارگان مطبوعات و هم بیکاری فزاینده روزنامه‌نگاران در کشورهای مختلف بیم و نگرانی را به وجه غالب پیش‌بینی‌ها در باره‌ای تأثیر اینترنت بر آینده نشر و پخش مطبوعات بدل کرده است.

های اخلاقی و فلسفی

پیشرفتی علمی با چاشنی بحث



دهه‌ای که گذشت تنها دوره‌ای اوج‌گیری بی‌سابقه پیشرفت‌ها در گسترده فناوری‌های اطلاعاتی نبود. در زمینه دانش ژنتیک نیز دانش بشری گام‌های بزرگ به جلو گذاشت. تکمیل شدن جدول ژنتیک انسان و پی‌بردن به بسیاری از رمز و رازهای ژنتیکی او دستاورد بزرگ او این دهه بود. آزمایش‌هایی نه چندان بی‌واسطه با دانش ژنتیک، یعنی تولید سلول‌های بنیادین به روش‌های مختلف و گشوده شدن چشم‌اندازهایی برای ممانعت از بسیاری از بیماری‌های ژنتیکی به موضوع محوری علم در دهه‌ای که رو به پایان بدل شد. در این میان اما، دستاوردهای یادشده تلاش برای شبیه‌سازی‌های ژنتیک را ابعادی تازه بخشید و مباحث اخلاقی و فلسفی متفاوتی را دامن زد. این بحث‌ها همچنان باز مانده‌اند و داوری نهایی در مورد آنها شاید به این زودی

ها امکان پذیر نباشد.

فناوری نانو نیز در این دهه گام‌های قابل‌اعتنا به پیش برداشت، هر چند که کاربرد آن در زندگی روزمره گس‌ترده نیست یا چندان به چشم نمی‌آید. نانو فناوری‌ای است که بر



دستکاری تک‌اتم‌ها و مولکول‌ها استوار است تا بتوان ساختاری پیچیده را با خصوصیات اتمی تولید کرد. از این رهگذر برای مثال می‌توان تراشه‌های کامپیوتری و ادواتی دیگر تولید کرد که هزاران بار کوچکتر از ادواتی باشند که فناوری امروز امکان ساخت آنها را برای ما فراهم آورده است.

و اعدام N.P.T رنگ و

علاوه بر تلفن همراه، دو سه مقوله و مبحث دیگر که چهره‌ی

دهه‌ی اخیر را رقم زدند نیز با نام ایران بی

: ارتباط نبودند

کاربرد کم سابقه رنگ‌ها در گستره سیاست و تحرکات مدنی که با انقلاب‌های رنگی در گرجستان و اوکراین و قرقیزستان آغاز شد، در ماه‌های پایانی دهه در ایران اوجی دوباره یافت و استفاده معترضان از رنگ سبز به عنوان نماد جنبش خود، در گستره بین المللی مقبولیت و رسمیت پیدا کرد.

یک اصطلاح دیگر نیز در دهه ۲۰۰۰-۲۰۰۹ در مناسبات بین‌المللی نقشی محوری و غالب داشت و دائم بر سر زبان‌ها بود: ان پی تی یا قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای.

هم در رویارویی با برنامه هسته‌ای کره‌ی شمالی و هم در چالش بر سر پرونده هسته‌ای ایران آنچه که مینا قرار می‌گرفت همین قرارداد و حروف مخفف آن بود. چالش‌های یادشده و نیز رویکرد کشورهای دارای سلاح اتمی در رعایت نیمی از پیمان که عدم پیشرفت در گذار به سوی خلع سلاح اتمی از نموده‌های آن بود، همه و همه سبب شدند که ضعف‌ها و نارسایی‌های ان پی تی نمودی بارزتر از گذشته پیدا کنند. در عین حال اصلاح و تغییر این پیمان نیز به سبب مخالفت‌ها از هر دو سو (دارندگان و نادرندگان چرخه هسته‌ای و سلاح اتمی) با موفقیت توأم نشد. اولین سال دهه ای آتی (۲۰۱۰) سال مضاف مجدد بر سر اصلاح این پیمان است.

و سرانجام این که "مجازات اعدام"، به عنوان یکی از نمونه‌های نقض حقوق بشر، و مخالفت و موافقت با آن نیز، در دهه‌ی گذشته از گفتمان‌های مسلط و رایج بود. شمار کشورهایی که این نوع مجازات را از قوانین کیفری خود حذف کردند به شدت افزایش یافت. روز اول این دهه (اول ژانویه ۲۰۰۰) با لغو مجازات اعدام در کشور استیدادزده‌ای به نام ازبکستان شروع شد، و روزهای پایانی دهه با حادثه‌ای درنگ‌انگیز و نمادین در ایران، یعنی آتش‌کشیدن داربست اعدام در سیرجان به پایان رسید. این اقدام گرچه برای رهایی دو سارق از مجازات مرگ بود و مستقیماً مجازات اعدام را نشانه نرفته بود، اما بروز آن به هر حال با نفس مجازات اعدام که ایران در آن از رکورددارها است بی‌ارتباط نیست. دهه‌ی آتی در ایران، صرفنظر از تحولات سیاسی که آینده این کشور را رقم خواهد زد، دوره‌ای خواهد بود که رعایت حقوق بشر به شمول لغو این گونه مجازات، همچنان موضوعی کم و بیش مطرح خواهد ماند.